

متن پرسش

با سلام و وقت بخیر خدمت استاد طاهرزاده: مساله بسیار مهمی در مورد نحوه ذکر گفتن و نماز داشتم در صورت امکان لطفا راهنمایی ام کنید: ۱. در نماز هوش و حواس را دقیقا در کجا متمرکز کنیم؟ آیا در نماز خدا را فقط طوری تصور کنیم که ما را می بیند؟ ۲. آیا این روش درست است که: چون جای اصلی خدا در قلب است بنابراین هوش و حواسم را شش دانگ متمرکز می کنم به قلبم یعنی قلبم را مخاطب دعا و کلمات نمازم می کنم یعنی انقدر قلبم را مخاطب قرار دهم تا بالاخره قلب زبان بگشاید! ۳. استاد اگر در نماز اینطور تصور کنیم که خدا جلوی ماست و ما را می بیند این از جهتی محدود کردن خداست چرا که خدا در سمت پشت ما نیز هست نه فقط جلو! اما چون قلب مومن عرش خداست بنابراین در نماز فقط قلبمان را مخاطب قرار دهیم نه بیرون را! ۴. چطور ذکر بگوییم که قلب زنده به ذکر شود؟ مثلا اینجانب برای ذکر «غفار» اینطور عمل می کنم: اول کاملا تصور می کنم که خدا در قلبم هست و عمیقا و قلبا خدا را در قلبم خطاب قرار می دهم و می گویم «یا غفار» «یا غفار» ... تا از درون جواب دهد نه از بیرون! ۵. من بعضا در ذکر گفتن اینطور عمل می کنم: مثلا یک انسان بزرگی مثلا علامه طباطبایی را در نظر می گیرم و متحدا ذکر و دعا را از زبان ایشان می گویم! و یا بعضا در نمازهای مستحبی ام اینطور تصور می کنم پیامبر (ص) در جلو حضور دارند و من پشت ایشان اقامه صلاه می کنم و حمد و سوره را از زبان ایشان می گویم آیا درست است؟ ۶. آیا این درست است که: در بیرون خبری نیست بایستی عمیقا و عمیقا «قلب خود» را برای دعاها خطاب قرار داد نه خدای بیرونی را؟ ۷. جهت تمرکز در نماز من چشم هایم را می بندم آیا این درست است؟ ۸. نظر جنابعالی در مورد ذکر گفتن و نحوه نماز خواندن چیست و مخاطب نماز را چطور تصور کنیم؟ با آرزوی قبولی طاعات و عبادات. اجر زحماتتان با حق تعالی.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همه‌ی آنچه فرموده‌اید در جای خودش خوب است و همان‌طور که برایتان پیش می‌آید استقبال کنید. مثل آن‌که گاهی در قلب خود با نور خداوند کار را جلو می‌برید و گاهی نور علو او را در مقابل خود احساس می‌کنید. هرکدام نحوه‌ای است که در آن شرایط، رزق شما شده است. چشم‌پستن در ابتدای سلوک، مانعی ندارد. موفق باشید